

بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

نکاتی پیرامون تفسیر قرآن کریم^۱

یکم. قرآن مجید ، مظهر رحمت مطلق خدای رحمان است ؛ (الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ) ؛^۲ لیکن بهره مندان از آن فقط پرهیزگاران اند ؛ (هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) .^۳ همان طور که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مظهر اسم اعظم خدا می باشد ، لذا رحمت جهان شمول خداست ؛ (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) ؛^۴ ولی بهره وران از آن انسان کامل ، خصوص مؤمنان اند ؛ (مَنْ أَلَّفَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ...) .^۵

دوم. قرآن کریم ، ضرورت وحی را برای جامعه انسانی اعلام می دارد و از سوی دیگر ، خود را خاتم وحی آسمانی می داند ؛ بنابراین ، باید از گزند هرگونه رخدادی که مایه زوال یا نقصان یا نسیان یا عیب او گردد ، محفوظ بماند ؛ (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ) ؛^۶ (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ) .^۷

سوم. روش منتخب تفسیر قرآن مجید این است که چون این کتاب الهی ، نور و « تبیان کُل شیء » می باشد و « قول فصل » خداست ، پس ابهام و تیرگی در حریم او راه ندارد و فاهمه^۸ مصون از غبار و هم و باصره^۹ محفوظ از عور و حول و عمی ، توان ادراک صحیح او را دارد. چون قرآن کریم همتای عترت طاهرین (علیهم السلام) است ، تبیین مراد آن با سنت معصومین (علیهم السلام) در تقیید اطلاق ، تخصیص عموم و... خواهد بود و چون اعتبار روایت ، خواه با معارض و خواه بی معارض ، مشروط به عدم تباین با مضمون قرآن مجید است ، باید اولاً اصول

^۱ - حضرت استاد ، این مقاله را جهت ارائه به کنگره خوارزمی تدوین نموده اند.

^۲ - سوره الرحمن ، آیات ۱ - ۲.

^۳ - سوره بقره ، آیه ۲.

^۴ - سوره انبیاء ، آیه ۱۰۷.

^۵ - سوره آل عمران ، آیه ۱۶۴.

^۶ - سوره فصلت ، آیه ۴۲.

^۷ - سوره حجر ، آیه ۹.

کلی قرآن روشن شود. ثانیاً خطوط جامع روایت واضح گردد. ثالثاً مفاد واضح حدیث، بر اصل کلی قرآن عرضه شود، رابعاً بعد از احراز عدم تباین روایت با قرآن، تعیین حدود مضمون قرآن با مفاد حدیث مشروح گردد و ناهماهنگی ثقلین تأمین شده و برای اعتقاد یا عمل حجت باشد. چهارم. عقل مُبرهن و مُنزّه از شائبه^۴ و هُم و سائقه^۵ خیال و مبرای از صبغه^۶ قیاس، مخاطب صالحی برای دریافت معارف قرآنی است؛ زیرا مبانی بین یا مُبین عقلی، شاهد لُبّی متصل یا منفصل برای وصول به مقصود وحی الهی است. همان طوری که تفسیر قرآن به رأی، ناصواب می باشد و تفسیر سنت معصومین (علیهم السلام) هم به رأی باطل است، تفسیر عقل که از منابع غنی و قوی دینی است، به رأی، صائب نخواهد بود.

هرگز نمی توان به بهانه^۷ بطلان قیاس اصولی و فقهی که همان تمثیل منطقی است، برهان عقلی را که هم از لحاظ ماده، قطعی و هم از جهت صورت یقینی می باشد، از اعتبار ساقط کرد. غرض آنکه عقل را به استحسان و مانند آن تعبیر نمودن، نوعی تفسیر به رأی درباره^۸ عقل برهانی است که چونان تفسیر به رأیهای دیگر باطل می باشد.

پنجم. چون قرآن، کلام خداست و خداوند سبحان با سه راه با بشر سخن می گوید: یا بدون واسطه یا از ورای حجاب یا با فرستادن پیک: **(و ما کان لبشر أن یکلمه الله إلاّ وحیاً أو من وراء حجاب أو یرسل رسولاً فیوحی بإذنه ما یشاء إنه علی حکیم)**،^۹ مستحقان سخن الهی نیز سه گروه اند؛ لذا تفسیر قرآن کریم نیز سه چهره^{۱۰} طولی دارد؛ یعنی غیر از مفاهیم ظاهری عبارات، اشارت، لطایف و حقایقی دارد که خواص و اولیاء و انبیاء از آن بهره مند بوده و هستند.

چون خاصیت طولی بودن هر سلسله ای این است که کامل، واجد ناقص است، لذا مستمعان بدون واسطه، از آنچه دیگران از وراء حجاب یا با آمدن پیک غیب با خبر می شوند، آگاه اند؛ گرچه محبوبان یا گیرندگان از پیک وحی، از آنچه مخاطبان بدون واسطه می یابند، جز رقیقه^{۱۱} آن، ناآگاه اند.

^۹ - سوره شوری، آیه ۵۱.

ششم. خداوند سبحان که معلّم قرآن است ، معارف آن را مایه های حیاتِ جامعه انسانی معرفی کرد ؛ **(یا ایّها الذین امنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم و اعلموا أنّ الله یحول بین المرء و قلبه و أنّه إلیه تحشرون)**^۹ و چیزی که سبب حیات دیگران است ، حتماً خود نیز زنده می باشد ، مگر آنکه سبب قابلی و مُعد باشد ؛ مانند آب برای گیاه ؛ و گرنه سبب فاعلی و مُفیض ، نظیر قرآن برای انسان قطعاً خود حیّ است تا احیاء دیگران را به عهده گیرد.

چون احیاء حقیقی مخصوص متکلم است ، پس احیاء کلام او ، از باب مظهریت برای اسم محیی خواهد بود و مظهریت احیاء ، مسبوق به مظهریت حیّ قیوم می باشد ؛ بنابراین ، معارف قرآنی ، اعم از مفاهیم حصولی و معقول آن و معارف حضوری و مشهودی ، با حفظ مرتبه خاص هر کدام ، حقیقتاً زنده و زنده کننده اند.

هفتم. مهمّ ترین شرط ادراک صحیح معانی قرآن ، مبسوس شدن کوه هوا و منبث شدن هوس است ؛ **(لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدّعاً من خشية الله...)**^{۱۰} چون خداوند گرچه به طور عام در صحنه آفرینش تجلّی نمود : **« الحمد لله المتجلّی لخلقه بخلقه... »**^{۱۱} ، لیکن به طور ویژه در قرآن مجید جلوه کرد : **« فتجلّی لهم فی کتابه من غیر أن یكونوا رأوه »**^{۱۲}.

اگر رأی قیاس آلود و قلب غبار اندود بدون تطهیر دَرَن و تهذیب درون ، خواست از معالی قرآن طرفی ببندد ، هاتف غیب هماره می گوید : **(لا یمسّه إلاّ المطهّرون)**^{۱۳} ؛ چنان که مطهّرين راستین را نیز در آیه تطهیر در کمال وضوح بیان فرمود : **(إنّما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت ویطهّركم تطهیراً)**^{۱۴}.

۹- سوره انفال ، آیه ۲۴.

۱۰- سوره حشر ، آیه ۲۱.

۱۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۰۸.

۱۲- همان ، خطبه ۱۴۷.

۱۳- سوره واقعه ، آیه ۷۹.

۱۴- سوره احزاب ، آیه ۳۳.

پروردگارا! توفیق فراگیری معارف قرآن و عترت طاهرين (عليهم السلام) را به جامعه انسانی
عطا فرما و سعادت ایمان و عمل صالح را به مشتاقان ثقلین عنایت نما. « و آخر دعوانا أن الحمد
لله ربّ العالمین » .